



جهان از آمریکا متنفر است

جمهوری خواهان پیروزی کلینتون را تقلب در انتخابات می‌دانند

تئیه‌های امروز

پس از تأخیر در ارسال لایحه برنامه ششم بهانه‌گیری‌های دولت درباره مصوبات کمیسیون تلفیق ادامه دارد

قهر نوبخت از مجلس



صفحه ۲

رئیس‌جمهور ترکیه: موصل از نظر تاریخی متعلق به ماست!

توهم اردوغان عود کرد!

صفحه ۱۵

پیشروی نیروهای عملیات آزادسازی موصل تا کرانه‌های دجله

بغداد توافق با ترکیه را تکذیب کرد

صفحه ۱۵

مورد عجیب بی‌محلای برنده نوبل ادبیات به آکادمی

باب‌دیلن و تحقیر بی‌سابقه نوبل

صفحه ۱۳

نکاه امروز

چه کسانی شبیه ترامپ هستند؟

محمد زعم‌زاده



۱- پرسوسه انتخابات ایالات متحده آمریکا به مبتذل ترین شکل ممکن پیش می‌رود. امروز مردم آمریکا مخیر به انتخاب بین «طراح پروژه لیبرال» دموکراسی که پیش‌تر پدیده‌هایی چون «سارکوزی» و «بولسونکی» در فرانسه و ایتالیا را هم بر اریکه قدرت دیده است، تماشای مدیریت کاخ سفید توسط هر یک از این دو خیلی عجیب نخواهد بود. «هیلازی کلینتون» امروز نماد حاکمیت آمریکاست و ترامپ نماد جامعه آمریکایی تحت تربیت این حاکمیت! ترامپ انتقادات جدی‌ای به نحوه مدیریت هیات حاکمه آمریکا دارد که بخشی از آن حتی به همکاران جمهوری خواه خودش بازمی‌گردد، در حالی که بزرگ‌ترین انتقاد هیلازی به ترامپ موضوع فسادهای جنسی اوست. هیلازی در حالی در این حوزه به «ترامپ» انتقاد می‌کند که در زمان حاکمیت دموکرات‌ها و بویژه همسرش در کاخ سفید از این نوع انتقادات داخل اتاق رئیس‌جمهور رخ داده است! و به قول ترامپ «من صرفاً حرفش را زده‌ام ولی بیل کلینتون این کارها را انجام داده است».

۲- «ممکن است نتیجه انتخابات را نپذیریم؛ دربار صحت نتیجه بعد از انتخابات حرف می‌زنم». این شاید مهم‌ترین اظهار نظر ترامپ در مناظره سوم با رقیب دموکرات خود باشد. او قبل‌تر هم از احتمال تقلب در انتخابات گفته بود؛ موضعی که واکنش جدی اواما را در پی داشت و رئیس‌جمهور آمریکا در اظهاراتی قاطع طرح «شائبه تقلب در انتخابات» را تضعیف‌کننده حاکمیت ملی در آمریکا خواند و شیدایا به ترامپ حمله کرد. اما جناب اواما درحالی سال ۸۸ در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران تمام امکانات مثلث زر و زور و تزویر آمریکایی اعم از رسانه و پول و حتی مشاوره‌های امنیتی- نظامی را برای سران فتنه و به اصطلاح معترضان انتخابات قانونی ایران به کار گرفت که در تمام نظرسنجی‌های پیش‌انتخاباتی و در صندوق رای فاصله نفر اول و دوم حداقل ۲۵ درصد بود. ادامه در صفحه ۵

پس از اعتراف جهانگیری به ناتوانی دولت در تأمین رفاه مطلوب برای مردم حسن روحانی نیز از ناتوانی دولت در تأمین اشتغال برای جوانان گفت

نمی‌توانیم!

صفحه ۲



تئیه‌های امروز

معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده مدیران مسؤول در هیأت نظارت بر مطبوعات!!!

جمع اضداد؟ مگر می‌شود؟

و «ستاره ایران» اعتراف‌زاده (این روزنامه یک صفحه هم به زبان فرانسه خیر و مطلب چاپ می‌کرد) تعطیل شدند و روزنامه‌های اطلاعات، ایران، کوشش و ستاره تحت نظارت شدید استوران و افسران جزء شهرداری به بولتن حمد و ثنای دربار تبدیل شده بودند، مجله ایران‌امروز- نشریه دولتی- تیراژ فقط ۱۰۰۰ نسخه‌ای در ماه داشت. وقتی واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ روی داد و کشور اشغال شد، روزنامه اطلاعات مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر عمومی» نوشت و ابراز تأسف کرد چرا متفقین، ایران بی‌طرف و بی‌دفاع را اشغال کردند؟

سفراتخانه‌های انگلیس و شوروی این مقاله را نوشته خود رضاشاه یا فروغی یا دکتر صدیق اعلم، مدیر کل اداره انتشارات و تبلیغات دانسته و اعلام کردند ارتش انگلیس و ارتش شوروی بزودی وارد تهران خواهند شد، زیرا این مقاله که به وسیله شاه یا نخست‌وزیر یا مدیر کل تبلیغات نوشته شده، مردم را به مقاومت علیه دولتین اشغالگر برانگیخته است. فروغی که ۳-۴ روز بود نخست‌وزیر شده بود به سفارت انگلیس رفت و صدها دلیل آورد که این روزنامه آزاد و خصوصی است و مقاله به قلم علی جلالی، سردبیر آن نوشته شده است. متفقین خواهان توقیف روزنامه اطلاعات شدند که از نهم شهریور تا چندین روز تعطیل و توقیف شد، مردم در بی‌خبری ماندند. ولی همین مطبوعات در دوران آزادی بیسان پس از شهریور چنان مقام و مرتبتی یافتند که وقتی «سرگنی کافتارادزه» معاون وزارت خارجه شوروی یا «دوارد هریو» رئیس مجلس ملی فرانسه یا «کیسی» وزیر خواروار انگلیس یا چرچیل یا دوگل به تهران می‌آمدند، در مصاحبه مطبوعاتی در آنجمن جراید حضور می‌یافتند و در بحران آذربایجان مطبوعات ایران بودند که صدای حق ملت ایران را به گوش جهانیان رساندند.

شهریور ۱۳۲۰ و روزهای پس از استعفای رضاشاه هیچ مقام انگلیسی و روس استدلال‌های مقامات ایرانی را نپذیرفت که مقاله زاده احساسات دوران به یاد ندارم دولت نشریه‌های نشر دهد) حدی بود که رادیو لندن سرمقاله روزنامه‌های ایران را می‌خواند و به آنها پاسخ می‌داد. در سفر دکتر مصدق به نیویورک در ۱۳۲۰ و به لایحه در ۱۳۲۱، چند مدیر روزنامه با خرج موسسه خود همراه نخست‌وزیر به نیویورک، واشنگتن و لاهه رفتند. نگاه‌های به گذشته کنید ببینید نمایندگان مطبوعات در آنجمن‌های مطبوعات که تقریباً نقشی شبیه آنجمن یا شورای نظارت بر مطبوعات کنونی را برعهده داشت، آیا از جراید معدود دولتی آن زمان

بودند یا از میان مدیران مطبوعات آزاد و غیردولتی؟ هر چه به مطبوعات آزاد و غیردولتی فرصت فعالیت و بیان مکتوبات و خواسته‌های مردم داده شود به نفع مملکت و مصالح آن است.

من به جناب آقای انتظامی توصیه می‌کنم این نمایندگی را به نماینده مدیران مسؤول روزنامه‌ها و مجلات خصوصی و غیردولتی که از بودجه دولت، شهرداری و نهادهای رسمی استفاده نمی‌کنند و غم تیراژ دارند و باید حقوق همکاران خود را از دخل و خرج نشریه‌شان بدهند واگذار کنند.

چندی پیش رجب طیب اردوغان که در کشورش چند هزار نشریه و حدود ۱۲۰۰ شبکه تلویزیونی و صدها رادیوی خصوصی دارد از مطالبی که جراید ایران درباره وضعیت دولت ترکیه و فساد مالی بعضی مقامات بلندپایه ترکیه می‌نویسند نزد مقامات ایرانی گله کرد. نظیر این گله را در رژیم سابق هیچ مقام خارجی از شاه و نخست‌وزیر و وزیران او نمی‌کرد، زیرا مطبوعات ایران در دهه ۵۰ هیچ‌گونه اعتبار و اهمیتی در دنیای رسانه‌های نداشتند و هیچ دولت بیگانه‌ای آنها را نماینده افکار عمومی ایران نمی‌دانست و تاثیرگذاری مقالات جراید بر مردم را نیز نمی‌دانستند، در حالی که یک مقاله واشنگتن‌بست که برای جراید پیش می‌آید یا شکایت شاکیان خصوصی یا دولتی از بعضی جراید، چگونه توانسته‌اند موازنه را حفظ و هر دو طرف را اقناع کنند. شورای نظارت به مثابه یک نهاد حقوقی و ترازوی عدل و انصاف بین دولت و مطبوعات است. ملاحظه می‌فرمایید این تفاوت امر درباره مطبوعاتی است که دولتی یا وابسته به دولتی با جرایدی که آزاد و خصوصی‌اند که حتی سفارتخانه خارجی هم جرات اقدام علیه آنها را نداشته است.

در دوران ملی شدن صنعت نفت اهمیت جراید ایران که اکثراً آزاد و غیردولتی بودند (اساساً در آن دوران به یاد ندارم دولت نشریه‌های نشر دهد) حدی بود که رادیو لندن سرمقاله روزنامه‌های ایران را می‌خواند و به آنها پاسخ می‌داد. در سفر دکتر مصدق به نیویورک در ۱۳۲۰ و به لایحه در ۱۳۲۱، چند مدیر روزنامه با خرج موسسه خود همراه نخست‌وزیر به نیویورک، واشنگتن و لاهه رفتند. نگاه‌های به گذشته کنید ببینید نمایندگان مطبوعات در آنجمن‌های مطبوعات که تقریباً نقشی شبیه آنجمن یا شورای نظارت بر مطبوعات کنونی را برعهده داشت، آیا از جراید معدود دولتی آن زمان

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

نه خانی آمده نه خانی رفته!

امیر استکی

اگر میان مردم برویم و بپرسیم مساله و دلمشغولی اصلی آنها چیست، بی‌شک به پاسخ‌هایی برمی‌خوریم که وجه مشترک همه آنها «مسائل اقتصادی»



است. برای مردمی که اکثریت آنها عایدی زیر ۲ میلیون تومان در ماه دارند، قطع به یقین مساله اصلی، مدیریت امور کلی زندگی ششان است و اگر مطالبه‌های هم داشته باشند در همین راستا خواهد بود. اگر دولتمردان به عنوان اصلی‌ترین پاسخگویان عرصه اقتصاد نیز بخواهند کاری در راستای دغدغه‌های مردم بکنند، بی‌شک این کارها باید در زمینه اقتصاد باشد و اگر قرار به اصلاح روندها و تغییر افراد است اولویت اصلی اقتصاد است. اما چرا همه تسوپ و ترقه دولت یازدهم برای تغییرات در کابینه و اصلاح امور مملکتی در ۳ وزارتخانه غیراقتصادی ترکانده می‌شود؟ اگر چه منکر اهمیت عرصه فرهنگ و آموزش و ورزش نیستیم ولی در این شرایط که همانگونه که ذکر آن رفت اولویت اصلی همه اقتصاد است، چرا وزارتخانه‌های اقتصادی از تغییرات در امان بوده‌اند؟ آیا این به معنای آن نیست که دولت قویا به خط مشی اقتصادی خود معتقد است و اصولاً عملکرد اقتصادی خود را قابل تردید ارزیابی نمی‌کند؟ این اعتقاد اما چرا در تقابل با واقعیت کنونی کشور قرار دارد؟ آیا این تغییرات فراقکتی و فرار از پاسخگویی نیست؟ به نظر می‌رسد دولت ۳ وزارتخانه غیراقتصادی خود را پای عملکرد قابل دفاع اقتصادی خود قربانی کرده است. گناه بلخ‌نشینان را وزرای شوشتری باید تاوان بدهند تا بار فشار اجتماعی از دولت برداشته شود و دولت واکنش موثر خود در برابر مطالبات عمومی را از سر خود وا کند.

اگر چه تغییر وزرای فرهنگ و ارشاد و ورزش که از محبوبیت و پذیرش کمی در میان هنرمندان و ورزشکاران- و البته هنردوستان و ورزش‌دوستان- برخوردارند و حاشیه‌هایی را هم در زمینه‌های فعالیت خود داشته‌اند به هدف نگاه‌داشتن آنها در زمره حامیان دولت و استفاده از محبوبیت و جنبه‌های پوپولار حمایت آنها از دولت در انتخابات پیش رو قابل فهم است ولی همانگونه که ذکر آن رفت پاسخگویی خواست عمومی در زمینه بهبود شرایط اقتصادی کشور نیست. شرایطی که طبق وعده‌های رئیس‌جمهور و براساس تصویری که وی در بدو امر از برنامه‌ها و توانایی‌های دولت خود ارائه می‌کرد، امروز باید بسیار بهتر از آنچه هست باشد. در کنار این مساله دولت در برکناری وزیر آموزش و پرورش که در زیرمجموعه‌های اقتصادی آن خبرهای زیادی از فساد و ناکارآمدی اقتصادی به گوش می‌رسد، پیشقدمی کرده است و قبل از رفتن فانی به جلسه استیضاح راه خطر را بر حادته بسته است و در نهایت می‌تواند مدعی باشد دارای ساختار خودترمیمی است، اگرچه انتخاب سرپرست‌های جدید وزارتخانه‌های فوق‌الذکر از میان معاونان وزرای سابق تا حدود زیادی بی‌اثر است. احتمالی خواهد بود. وزارتخانه بسیاری بزرگی که همواره از نداشتن منابع شکایت داشته است امروز شاهد فساد گسترده مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان است، فسادهایی که به دستگیری تعدادی از دست‌اندرکاران رده‌بالای آن انجامیده و وزیر این وزارتخانه را نیز به برکناری و عزل کشانده است. مساله‌ای که علاوه بر فرهنگیان برای سایر مردم نیز این پرسش را دوسره مطرح خواهد کرد: چرا بهره بردن از این همه منابع موجود در جایی که همواره از کمبود منابع می‌نالیده است، منحصر به عده خاصی شده است و چرا مانند داستان فیش‌های نجومی اینجا هم شاهد این روبه تکرار شونده هستیم که در تخصیص منابع تنگ‌ظری و خاصه‌خرچی می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

من لم یشکر المخلوق ولم یشکر الخالق

با احترام، از کلیه عزیزان و سروران گرامی، مسؤلان لشکری و کشوری، دانشگاهیان، ائمه جمعه و جماعات که با شرکت در مجالس گرامیداشت والدۀ اینجانب در شهرضا، تهران و قم شرکت و با اهدای تاج گل و ابلاغ پیام‌های تسلیت و پیامک و نصب بنر با اینجانب و سایر بازماندگان آن فقیده سعیده اظهار همدردی و همدلی نموده‌اند تقدیر و تشکر نموده‌ام و از خداوند متعال بقیای عمر و توفیقات روزافزون همگان را مسألت می‌نمایم.

والسلام علی من اتبع الهدی حیدر مصلحی

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲